

نشست چالش‌های معرفتی و نهادی در توسعه و تعمیق همکاری با چین

گزارشگر: سعید موسوی مدنی، عضو ارشد انجمن دوستی ایران و چین



دکتر عمادی در بیستمین نشست انجمن دوستی ایران و چین که در تاریخ ۵ شهریور ۱۴۰۴ در اتاق بازرگانی تشکیل شد، در مورد چالش‌های معرفتی و نهادی در توسعه و تعمیق همکاری با چین سخنرانی داشتند.



ایشان ابتدا به درک نادرست کشورها از همدیگر اشاره کردند، برداشتهای اشتباهی که خود منشاء بسیاری از جنگها در تاریخ بوده اند. در مورد ایران و چین نیز، ایشان تجربه زیسته و عمیق خود را که طی ۳۵ سال همکاری و همنشینی نزدیک با مقامات محلی و ملی چین حاصل شده است، در این نشست تبیین نمودند.

ایشان قضاوت‌های دیگر جوامع نسبت به کشور چین را دچار سوگیری شناختی دانسته و آنها را بیشتر حاصل منابعی دانستند که در مورد چین به انگلیسی ترجمه شده و در رسانه های غربی و فضای مجازی جریان دارد، این شناخت به داوری های شتابزده و احساسی و غالبا سیاسی و کوتاه مدت دامن زده و به سوء تفاهم های ناشی از تفاوت در مقایسه سطحی سیستم های حکومتی و سیاسی منجر شده است.

فقدان معرفت شناسی، ریشه همه تقابل‌های بشری

ریشه جنگ‌ها در عدم شناخت و معرفت نسبت به فرهنگ و رسوم سایر ملل است ۳۰ سال پیش که به چین می‌رفتیم هیچ خبری از توسعه نبود اما ۱۰ سال بعدش یعنی در سال‌های ۲۰۰۸ که بازدید داشتیم از یک مجتمع تولید شیر اونجا متوجه شدیم که چقدر چین پیشرفت کرده و تمام این مجتمع اتومات شده بود و فقط سه نفر در اون حضور داشتند

در سال ۲۰۱۳ خود چینی‌ها می‌خواستند در پروژه ای که آنها را همراهی کردیم، ۱۳ مدل آموزشی جهان را برای توسعه روستایی استان شاندون بررسی کردند و انتخاب کردند که از کدام یک برای فقر زدایی و توسعه روستایی در چین باید انتخاب شود.

ریشه های معرفتی مکتب دائئوئیزم در کنفسیوس

چینی‌ها همیشه به ماسک روی صورت دارند که از بیرون نمی‌توان به عمق آنها پی برد اما و با تأخیر طی سالهای همزیستی میتوان به درک متقابلی رسید.

وقتی سوالی را مطرح می‌کنند یا می‌پرسند. اگر شما زود بخواید چیزی رو جواب بدید نشون از یک نوعی بی‌خردی است یا تظاهر به دانش و چینی‌ها خیلی کاری به گفته‌های شما ندارند بیشتر رفتار شما را رصد می‌کنند و اینکه در بلند مدت شما رو ارزیابی کنند.

وقتی که من ۳۰ سال پیش به چین رفتم دیدم که چقدر در حتی عمق روستاهای چین حکمت و عقل حاکم است و شورای شهر شورای روستای. چین که خودش عضو کمونیسم بود چقدر این‌ها آدم‌های عمیقی هستند کلاً حکمت چینی‌ها بر دو بال سوار است: نخست صبر و تحمل دوم عقل و عدالت

یک تمدن ۴۰۰۰ ساله گویی که در مردم نهادینه شده و کنفسیوس احترام زیادی به خرد دارد و گویی که آیین کنفسیوس در روستاهای چین و در دی ان ای مردمش رسوخ کرده است.

بیشتر مشکل ایرانیان که چینی‌ها را به بنجل فروش می‌شناسند چینی‌ها به ما می‌گویند شما بنجل خریدا! به خاطر اینکه یک کارت بازرگانی یکبار مصرف صادر میشه و ایرانی‌ها می‌روند و یک سری کانتینر یا دو کانتینر جنس نامرغوب میرن و بعد هم دیگه قرار نیست اون کسب و کار تکرار بشه .

در مکتب دائئوئیزم آنها معتقدند که بهشت وجود دارد. و کسی که زودتر از ۶۰ سال می‌میرد حتماً مشکلی داشته که نتوانسته از نفس خود مراقبت کند در این مکتب ریاکاری یکی از بدترین خصیصه‌های انسان است.

ریشه های اشتباهات رایج و برداشت ایرانی ها و غربی ها

تمام اشتباهاتی که ما می‌فهمیم غربی‌ها هم دارند و مشکل این است که ما رفرنس و دسترسی به منابع چینی زبان اصلی نداریم. کتابهای فارسی بیشتر از انگلیسی ترجمه شده و منابع انگلیسی ترجمه بسیار ضعیف است.

مثلاً اژدها وقتی بیدار می‌شود اژدهایی که دنیا را می‌بلعد و یک استادی حالا تو ایران میاد بعد ۱۵ سال کتاب به فارسی ترجمه می‌کنه و اصلاً اون منبع از بیس ایراد داشته چه برسه به ترجمه‌اش!

به عنوان مثال یک نفر به اسم **بیل جکسون** کتابی را نوشته به عنوان جنگ شغل‌ها و اونجا گفته که چین استعمارگره و کارگران رو به زور با روزی یک دلار استخدام کرده و برای همین تمام بازارها را گرفته، این شخص خودش نماینده حزب کنگره آمریکا بود و از نظر اعتقادی کاملاً تحت تاثیر فضای رسانه‌ای قرار گرفته بود و وقتی که من با او چهار ساعت صحبت کردم او متقاعد شد که اشتباه کرده و نگاه خودش رو اصلاح کرد.

یک دلیل دیگر عدم شناخت صحیح چین، مشکل زبان هست از نظر دستور و ساختار آسان‌ترین زمان دنیاست چون مذکر مونث نداره و از نظر نوشتار و شکلی سخته و آواها خیلی متفاوتند برای جینی‌ها یادگیری انگلیسی ۸ برابر سخت‌تر از یادگیری فارسی است.

دو تا کتاب هست که حاصل تجربه زیسته دو تا دانشمند یکی فیلسوف بزرگ شاید بگویم قرن، برتراند راسل که ۱۰۵ سال پیش از طرف انگلستان مامور شد و در چین ۵ سال زندگی کرد و حاصل تفکرات و برداشت خودش را در کتابی به اسم مسئله چین در سال حدود ۱۹۲۰ یه چیزی حدود ۱۰۵ سال پیش منتشر نمود و دومی شخصی است به اسم کیسینجر که کتاب چین رو منتشر نمود که در ایران هم ترجمه شده و در پادکست ۴ و ۵ محمد فاضلی به این مطلب اشاره شده است.

جدال فکری پشت درهای بسته ولی اتحاد ملی بر روی زمین

در رویکرد چین جدید می‌گویند که همه مردم بشر حق حیات دارند و هیچ کسی بر دیگری برتری ندارد اولویت چینی‌ها منافع ملی است و خود دنگ شیائوپینگ با اینکه سه بار توسط مائو به زندان می‌رود و آنها با اینکه نقد زیادی به او وارد میکنند ولی می‌گویند که جدل ما، در سطح سلول‌های مغزی است نه با دست و پا، پشت درهای بسته جدل‌ها شدیده ولی وقتی که میان بیرون شما یکپارچگی و اتحاد ملی را کاملاً می‌بینید.

برای چینی‌ها مائو مثل یک تمبر پستی است که می‌گویند مائو فقط ما را به مقصد می‌رساند برای همین ما از اسم ایشون و شأن ایشون رو حفظ می‌کنیم اما در زیر عکس مائو و زیر این تمبر انتقادات شدید و صریحی به وی و دنگ شیائوپینگ درون خود حزب کمونیست چین وجود دارد.

ساختار حکمرانی چین و قاعده احترام به اقلیت

به طور کلی چین توسط حزب مرکزی که شامل ۹۲ میلیون نفر از نخبگان و گروه‌هایی که دارای نفوذ و شبکه گسترده درون اجتماع هستند شکل گرفته این ۹۲ میلیون نفر به مراتب و متوسط جامعه بالاترند و یک ارتباط و شبکه قوی با جامعه دارند و هر یک از آنها از جمله پرنفوذترین افراد در صنف خودشان هستند. و به همین دلیل انتخاب میشوند بعضی از آنها شاید حتی نخبه یا دانشگاهی نباشند اما ضریب نفوذ آنها و قدرت شبکه سازی اونهاست که مهم هست و مهمتر از همه سلامت نفس و معنویت این افراد است و اعضای حزب باید

حتماً از نمره رتبه اول یا پنجم درس خودشون باشند و کسی که از ابتدایی حتی یک تقلب هم کرده باشه حق ورود به حزب را ندارد.

به عنوان مثال ۲۲ سال پیش در تبت با اینکه خیلی با مغولها مشکل داشتند، اما در استان تبت تمام تابلوها به خط تبتی بود. آنجا معبد چنگیز خان رو ساختند و می‌پرستیدند، بزرگراهها و فرودگاهها به اسم چنگیز خان بود با اینکه در چین همه از چنگیز متنفرند ولی برای اینکه قوم مغول احساس کمبود نکند از دبستان بازدید می‌گذاشتند که تفاوت ملیتها رو بفهمند و احترام هم را نگه دارند.

هر فردی در یک رتبه اجتماعی دارد و همه چیز ثبت و ثبت می‌شه در چنین می‌گویند اولویت بر جمع است. در غرب اولویت بر فرد است. اگر کسی نمره اجتماعی او بالای ۹۰ از ۱۰۰ باشد حتی بدون سپرده و ضامن هم به او وام تعلق می‌گیرد.

عزم چین برای مبارزه با فساد فراگیر

وقتی روزی که شی جین پینگ روی کار اومد ۳۴ هزار نفر را زندانی کردند، سپس تیمهای زیادی از متخصصان اقتصاد، روانشناسی، علوم اجتماعی و فیلسوف شکل دادند و بررسی کردند که چرا فساد اینقدر زیاد بود و در کنه حزب رخنه کرده بود: به این دلیل می‌رسند یکی اینکه وقتی افراد بچه دارند با آنها کنکور قبول نمیشن مجبورند که این بچه‌های اعضای حزب رو بفرستن خارج و این باعث می‌شد که درآمدها کفاف خرج های تحصیلی اینها را ندهد و پله پله از فسادهای و رشوه های ۵۰۰ دلار تا ۱۰۰۰ دلار و بالاتر تا ۲۰۰۰ دلار آلوده میشدند. شبکه پرستوهایی داشتند که از طریق اینها یه چیزی حدود ۷۰۰۰ نفر را گرفتند و زندانی کردند و خانواده‌های مدیران ارشد رو می‌بردند به دیدن اینها تا ببینند که آینده کسی که قبلاً آنقدر قابل احترام بوده و مافوق اینها بوده به خاطر فساد به کجا رسیده و خیلی در مورد فساد اشخاص حزب سخت‌گیرتر از فساد مردم عادی بودند چون می‌گفتند برند حزب رو شما خراب می‌کنید.

سوگیری‌های جهان نسبت به چین به همه رسانه‌های غربی که می‌گویند در چین دموکراسی نیست وحشتناک‌اند من از همه اینها بازدید کردم هیچ جا اردوی کار اجباری نبود.

آیا راه ابریشم به معنای مرسوم وجود داشته است؟

چیزی به اسم جاده ابریشم تا ۱۸۷۰ وجود نداشته و یک محقق آلمانی گذاشته جاده ابریشم و یک جاده متصل پیوسته یا متصل نبوده بلکه شبکه از راهها بوده. کشور را به غرب وصل می‌کرده و اصل آن بر امنیت بوده مسیرهایی که امنیت حاکم بوده و یک محملی بوده برای روابط تجاری چین و یک نوع در حقیقت زنجیره ارزش یعنی یک ارزشی به کالاهای طول این شبکه تجاری اضافه می‌شده، انجا از نمایشگاهی بازدید داشتیم که دیدم سند را روی لاک لاک پشت پوست می‌نوشتیم بعد بخش ویژه نمایشگاه، یعنی تجارت با ایران را به

من نشون دادند و گفتند که رنگ ما زرشکی و سبز بوده ولی رنگ شما لاجورد و آبی است و خاک رو با صنعت لعاب‌سازی انجام میدادند که آثار آن در موزه شیخ صفی دیده میشود.

بیشتر پادشاه عثمانی به دلیل سم می‌مردند و پیشمرگ داشتن قبل غذا یک سری ظرف ساخته بودند که این ظرف‌ها به جیوه و سیانور حساس بود و رنگش عوض می‌شد یعنی از اون موقع آنها کالاهای خود را با بازار و با به اصطلاح سلیقه مصرف کننده تغییر می‌دادند.

هیچ تجارتی با زور انجام نمی‌شود و شما امنیت رو بساز تجارت خودش میاد، یه طاقه ابریشم مثلاً ۱۰ متری برابر یک خانه در لندن بود. آن زمان چینی‌ها فقط با طلا کار می‌کردند راه ابریشم یک استراتژی بود برای خروج از بن‌بست ژئوپلیتیک.

احیای سنت با فناوری مدرن

در چین دانش سنتی و فرهنگ محلی رو به کار گرفته اند و آنرا تبدیل به کسب و کارهای پر سود کردند، مثلاً گیاهان دارویی ۱۸ میلیارد دلار دارند و چینی‌ها خیلی هوشمندانه. اون رو گذاشتن (Traditional Chinese Medicine) TCM و ۸۷ درصد در دوران کرونا از همین گیاهان دارویی بهبود یافتند و یک سیستم می‌سازند و برای اون برندسازی می‌کنند و روی اون مانور میدن یعنی حفظ ارزش‌ها و اصولشون رو با یک بسته‌بندی شیک و مدرن تبدیل به یک ارزش بالای اقتصادی می‌کنند، آنچه که ما عکسش رو تو ایران انجام میدیم و سنت علیه مدرنیته و مدرنیته علیه سنت. همیشه موضع دارند و نمی‌گذارند که هر کدوم از این‌ها به نتیجه برسد.



توصیه های سیاستی برای علم و فناوری

چرا علم و آموزش در مرکز توسعه قرار دارند؟

دکتر عمادی سخنرانی خود را با طرح این پرسش بنیادین آغاز می کند: «آیا می توان بدون تکیه بر علم و آموزش، به توسعه ای پایدار و مستقل دست یافت؟» او با نگاهی تاریخی به تجربه کشورهای توسعه یافته، نشان می دهد که هیچ کشوری بدون سرمایه گذاری جدی در آموزش، پژوهش و فناوری نتوانسته مسیر پیشرفت را طی کند. از دیدگاه او، توسعه پایدار نه تنها به منابع طبیعی و اقتصادی وابسته است، بلکه به زیرساخت های فکری، فرهنگی و علمی نیز نیاز دارد.

✿ بخش اول: آموزش عالی و نقش دانشگاه ها

دکتر عمادی دانشگاه ها را قلب تپنده توسعه علمی کشور می داند. او معتقد است که دانشگاه ها باید از حالت انفعالی خارج شوند و به مراکز تولید فکر، نوآوری و حل مسئله تبدیل گردند. در این بخش، او به چند نکته کلیدی اشاره می کند:

- ضرورت بازنگری در محتوای آموزشی: بسیاری از برنامه های درسی فعلی با نیازهای واقعی جامعه و بازار کار هم خوانی ندارند.
- تقویت مهارت های تفکر انتقادی و خلاقیت: آموزش نباید صرفاً انتقال اطلاعات باشد، بلکه باید توانایی تحلیل، نقد و نوآوری را در دانشجویان پرورش دهد.
- استقلال دانشگاه ها: دکتر اعتمادی خواستار استقلال علمی و مالی دانشگاه ها است تا بتوانند بدون فشارهای سیاسی، مسیر علمی خود را تعیین کنند.

✿ بخش دوم: شکاف میان علم و صنعت

یکی از محورهای مهم سخنرانی، بررسی فاصله میان دانشگاه و صنعت است. دکتر عمادی با ارائه مثال هایی از کشورهای موفق، نشان می دهد که ارتباط مؤثر میان این دو حوزه می تواند منجر به تولید فناوری های بومی، اشتغال زایی و افزایش بهره وری شود. او پیشنهاد می دهد:

- ایجاد مراکز مشترک تحقیقاتی میان دانشگاه ها و صنایع
- تعریف پروژه های کاربردی با مشارکت دانشجویان و شرکت ها
- حمایت مالی دولت از طرح های پژوهشی که منجر به تولید محصول می شوند

✿ بخش سوم: نقش نخبگان در سیاست گذاری علمی

دکتر اعتمادی با لحنی انتقادی به حذف نخبگان از فرآیندهای تصمیم گیری اشاره می کند. او معتقد است که بسیاری از سیاست های علمی کشور بدون مشورت با متخصصان تدوین می شوند و همین امر موجب ناکارآمدی و اتلاف منابع شده است.

- تشکیل شوراهای مشورتی علمی در نهادهای دولتی
- استفاده از ظرفیت انجمن‌های علمی و دانشگاهی در تدوین برنامه‌های توسعه
- ایجاد سازوکارهای شفاف برای مشارکت نخبگان در تصمیم‌گیری‌ها

✿ بخش چهارم: برنامه‌ریزی بلندمدت علمی

دکتر عمادی تأکید می‌کند که توسعه علمی نیازمند نقشه راهی بلندمدت، پایدار و غیرسیاسی است. او هشدار می‌دهد که تغییرات مکرر در مدیریت و سیاست‌گذاری، موجب بی‌ثباتی و سردرگمی در نظام علمی کشور شده است. پیشنهادهای او شامل:

- تدوین سند ملی توسعه علمی با مشارکت همه ذی‌نفعان
- تعیین اولویت‌های پژوهشی بر اساس نیازهای واقعی کشور
- پایش و ارزیابی مستمر عملکرد نهادهای علمی و آموزشی

✿ بخش پنجم: استقلال علمی و تولید دانش بومی

در بخش پایانی سخنرانی، دکتر عمادی به اهمیت استقلال علمی اشاره می‌کند. او معتقد است که وابستگی به منابع علمی خارجی، کشور را در برابر تحولات جهانی آسیب‌پذیر می‌کند. برای مقابله با این چالش، او پیشنهاد می‌دهد:

- حمایت از پژوهشگران داخلی و تأمین منابع مالی پایدار
- ترجمه و بومی‌سازی دانش جهانی با حفظ هویت علمی ملی
- ایجاد شبکه‌های علمی منطقه‌ای برای تبادل تجربه و همکاری

✿ پیام‌های ضمنی سخنرانی

در مورد ریشه برخی چالش‌های معرفتی ایرانیان در شناخت کشور چین و سیستم حاکم بر آن معمولاً شامل چند محور اصل است که بیان کردن.

۱- فقدان دانش عمیق تاریخی و فرهنگی

۲- تفاوت‌های ساختاری در نظام سیاسی

۳- اثر رسانه‌ها و تبلیغات

۴- عدم دسترسی به منابع اصیل و زبان چینی

۵- تفاوت‌های بارز ایدئولوژیک و ارزشی

۶- چالش‌های سیاسی و اقتصادی معاصر که مربوط به پروژه‌های راه‌آبریشم جدید (کمر بنه جاده) و سیاست‌های اقتصادی چین با پیچیدگی‌های خاص خود شناخته نشده یا به طور ناقص درک می‌شود.

بدین منظور لازم است از طریق دیپلماسی عمومی، تقویت روابط فرهنگی علمی و ورزشی، گسترش تبادلات هنری، علمی و دانشجویی برای ایجاد تصویر واقعی‌تر از یکدیگر ایجاد شود. همچنین با تولید محتوا و حمایت

از رسانه های فعال : تعامل نخبگان، همکاری اقتصادی عادلانه و با کیفیت با تاکید بر آموزش نسل جدید، تقویت اعتماد متقابل - گسترش زمینه گفتمان عمومی از طریق سرمایه گذاری اتاق بازرگانی، فراهم آید.

سخنرانی دکتر عمادی فراتر از یک تحلیل علمی، حامل پیامهای اجتماعی و فرهنگی نیز هست:

- دعوت به همافزایی ملی: او از همه نهادهای علمی، دولتی، صنعتی و فرهنگی می‌خواهد که با همکاری و هم‌فکری، مسیر توسعه علمی کشور را هموار کنند.
- بازگشت به عقلانیت علمی: در شرایطی که تصمیم‌گیری‌ها گاه تحت تأثیر هیجانات سیاسی قرار می‌گیرند، او خواستار بازگشت به عقلانیت، داده‌محوری و تحلیل علمی است.
- تقویت امید و انگیزه در نسل جوان: با تأکید بر نقش جوانان در آینده کشور، او تلاش می‌کند انگیزه و اعتماد به نفس را در آنان تقویت کند.

📌 کلام آخر

دکتر عمادی سخنرانی خود را با این جمله به پایان می‌برد: اگر می‌خواهیم ایران فردا، ایران پیشرفته، مستقل و سربلند باشد، باید امروز در علم، آموزش و نوآوری سرمایه‌گذاری کنیم.

